

## موانع هم‌گرایی در سازمان «کشورهای مستقل هم‌سود»

الهه کولایی<sup>۱</sup>  
محمد صداقت<sup>۲</sup>

### چکیده

«سازمان کشورهای مستقل هم‌سود» در دسامبر ۱۹۹۱م به‌وسیله روسیه سفید، روسیه و اوکراین در «مینسک» (مرکز روسیه سفید) پایه‌گذاری شد. اهداف تشکیل این سازمان عبارت بود از: گسترش روابط دوستانه بین اعضا، حسن هم‌جواری و افزایش همکاری کشورهای عضو و درک و اعتماد متقابل. «سازمان کشورهای مستقل هم‌سود» یکی از مهم‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز تلقی می‌شود. با تشکیل این سازمان، نشست‌ها و گردهمایی‌های بسیاری برگزار شد و توافق‌نامه‌های زیادی به امضا رسید، ولی اهدافی که این سازمان برای تحقق آن‌ها تأسیس شده است، محقق نشد. هدف این نوشتار بررسی چهار عوامل ناکامی این سازمان در مسیر هم‌گرایی اعضا است. چهار عامل عبارتند از: نگرانی کشورهای تازه استقلال‌یافته از احیای نفوذ روسیه، جریان‌های تجزیه‌طلب و اختلاف‌های مرزی، اختلاف اعضای این سازمان و نیز رقابت آمریکا و روسیه در «خارج نزدیک». نویسندگان با استفاده از روش «توصیفی-تحلیلی» داده‌های این پژوهش را مورد آزمون قرار داده‌اند تا روشن شود چه عواملی سبب شکل نگرفتن هم‌گرایی در سازمان «کشورهای مستقل هم‌سود» شده است.

**واژگان کلیدی:** هم‌گرایی، سازمان کشورهای مستقل هم‌سود، خارج نزدیک، روسیه، آمریکا.

<sup>۱</sup>. استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول) ekolaee@ut.ac.ir

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه تهران ms\_iran2000@yahoo.com

«سازمان کشورهای مستقل هم‌سود» (سی.آی.اس)<sup>3</sup> به عنوان واقعیتهای ژئوپلیتیکی، نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است (Voitovich, 2010, p.1). این سازمان، مجمعی است مرکب از روسیه و یازده جمهوری پیشین اتحاد شوروی که با توافق‌نامه ۸ دسامبر ۱۹۹۱ پایه‌گذاری شد. رهبران سه جمهوری روسیه، اوکراین و روسیه سفید موافقت‌نامه‌ای را برای جایگزینی یک مجمع جدید به جای اتحاد شوروی امضا کردند. در ۲۱ دسامبر همان سال نیز در «آلماتا» (سپس آلماتی) مرکز قزاقستان، سران یازده جمهوری بازمانده از شوروی سابق پروتکلی بر این توافق‌نامه اضافه کردند و براساس آن جمهوری آذربایجان، ارمنستان، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، مولداوی، روسیه سفید و اوکراین با حقوق مساوی، جامعه «کشورهای مستقل هم‌سود» را به وجود آوردند. با امضای این پروتکل، سازمان به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد و مینسک مرکز روسیه سفید به عنوان مرکز اداری و اجرایی آن انتخاب شد (Baslar, 2010, p.93). در نشست آلماتی، هم‌چنین یازده جمهوری تشکیل‌دهنده آن موافقت کردند روسیه به عنوان وارث جایگاه اتحاد شوروی در سازمان ملل انتخاب شود. این نهاد را می‌توان مهم‌ترین سازمان در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی دانست. انتظار می‌رفت که جامعه «کشورهای مستقل هم‌سود» دارای نقش مهم و تأثیرگذاری در منطقه باشد. از ابتدای شروع به کار این سازمان، گردهمایی‌ها و نشست‌های بسیاری برگزار شده و موافقتنامه‌های زیادی به امضا رسیده؛ اما در عمل نتایج مهمی حاصل نشده است، پیشرفت ناچیز بوده و شکاف در میان دولت‌های عضو عمیق‌تر شده است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که چه عواملی سبب عدم دستیابی این سازمان به اهداف خود و ایجاد هم‌گرایی در میان اعضا شده است؟ سؤال‌های فرعی عبارتند از این‌که تأثیر رقابت روسیه و آمریکا بر کارکرد سازمان مزبور چیست؟ هراس از نفوذ روسیه در میان کشورهای عضو، رقابت‌های درون سازمانی و اختلاف‌های مرزی چه تأثیری بر روند هم‌گرایی در سازمان داشته است؟ فرضیه نویسندگان آن است که فروپاشی اتحاد شوروی و تلاش آمریکا برای حضور در حوزه‌های نفوذ آن، و از سوی دیگر، تلاش روسیه برای احیای نفوذ در حیات خلوت خود سبب واگرایی فزاینده در این سازمان شده است.

<sup>3</sup> Commonwealth of Independent States (CIS)

## ۱- هم‌گرایی

«هم‌گرایی» فرآیندی است که در آن ملت‌ها از تمایل و توانایی خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و خط‌مشی‌های اساسی داخلی صرف نظر می‌کنند و در عوض در پی تصمیم‌گیری مشترک یا واگذاری روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های ناظر جدیدی هستند (جوزف فرانکل، ۱۳۷۱، ۸۴-۸۳). در روند هم‌گرایی ملت‌ها و رهبران سیاسی در می‌یابند که تنها در سایه تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت در یک نظام هم‌گرا، امکان تحقق اهداف و منافع ملی افزایش می‌یابد (جمالی، ۱۳۸۰، ۲۱۶). به تعبیر دیگر، واژه هم‌گرایی یعنی تشکیل یک کل به وسیله اجزاء. همچنین هم‌گرایی را ایجاد همبستگی نیز دانسته‌اند. هم‌گرایی در اصل به انسجام قوی و روابط درون یک جامعه یا درون یک واحد سیاسی مربوط می‌شود. نظریه‌های مربوط به هم‌گرایی در سه سطح تحلیل ارائه می‌شوند: «سطح ملی» که شرایط و فرآیند را در یک جامعه سیاسی مشخص مورد تحلیل قرار می‌دهد، «روابط میان چند کشور» و «سطح منطقه‌ای» که به گروه‌بندی تعدادی از کشورها و در سطح بین‌المللی به انسجام واحدهای سیاسی در سطح جهان توجه دارد (کولایی، ۱۳۷۹، ص ۲).

«کانتوری» و «اشپیگل» نظام بین‌المللی را شامل چندین نظام تابعه منطقه‌ای دانسته‌اند. به نظر آن‌ها هر یک از این نظام‌های تابعه «شامل یک، دو یا چند کشور هم‌جوار تعامل‌گر با یکدیگر است، که با یکدیگر پیوندهای مشترک قومی، زبانی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی دارند. گاه احساس همانندی و هویت آن‌ها با اقدام‌ها و ایستارهای کشورهای خارج از این نظام تابع، تشدید می‌شود» (Cantori & Spiegel, 1970, p.607). آن‌ها هم‌گرایی را به عنوان یک وضع در نظر می‌گیرند و معتقدند که وضعیت و ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی-نژادی، فرهنگی، زبانی و جغرافیایی کشورهای همسایه، نوع و میزان روابط آن‌ها پدیدآورنده هم‌گرایی می‌شود. بنابراین، نوع، وضع و ویژگی کشورها، نقش مؤثری در هم‌گرایی آن‌ها ایفا می‌کند. بر اساس دیدگاه «کانتوری» و «اشپیگل» در ساختار نظام‌های منطقه‌ای، هر نظام تابع دارای سه بخش است:

- بخش «مرکزی»، که از یک یا چند دولت تشکیل می‌شود و نقش اصلی را در سیاست منطقه‌ای بازی می‌کند.

- بخش «حاشیه‌ای»، دولت‌هایی را در بر می‌گیرد که نقش حاشیه‌ای در سیاست منطقه‌ای بازی می‌کنند.

- بخش «مداخله‌گر»، در این جا منظور دولت‌های بیرون از منطقه است که به دخالت می‌پردازند.

بر اساس نظریه «کاتوری» و «اشپیگل»، در سازمان «کشورهای مستقل هم‌سود»، روسیه - به عنوان میراث‌دار اتحاد شوروی - «بخش مرکزی»، اعضای دیگر این سازمان «بخش حاشیه‌ای» و سرانجام ایالات متحده به عنوان قدرت فرمانطقه‌ای، نقش عامل «مداخله‌گر» را بر عهده دارد.

## ۲- شکل‌گیری سازمان کشورهای مستقل هم‌سود

با تشدید اختلاف‌های گسترده میان طرفداران سیاست‌های اصلاح‌طلبانه «گورباچف» و مخالفان روند سریع اصلاحات، کودتای اوت ۱۹۹۱ سازمان‌دهی شد. کودتاگران اعلام کردند «گورباچف» به علت ناتوانی جسمی قادر به انجام وظیفه نیست. کشورهای غربی پس از کودتا، به صورت یکپارچه از پذیرش و شناسایی رژیم جدید خودداری کردند. «بوریس یلتسین» نیز با غیر قانونی خواندن رژیم کودتا، از مردم خواست تسلیم آن نشوند (کولایی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵). کودتای اوت پس از سه روز به علت عدم همکاری نظامیان، مقاومت مردم - به‌ویژه در مسکو به رهبری «یلتسین» - و حمایت غرب از او شکست خورد. رهبران کودتا بازداشت و زندانی شدند. پس از کودتا جمهوری‌های عضو اتحاد، یکی پس از دیگری استقلال خود را اعلام کردند. «گورباچف» هم در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ استعفا کرد و کاخ کرملین را به رئیس‌جمهور روسیه، «بوریس یلتسین» تحویل داد. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رسماً در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ فروپاشید و همه اموال و دارایی‌های آن در میان جمهوری‌ها تقسیم شد. روسیه نمایندگی شورای امنیت، سفارت‌خانه‌های شوروی در سراسر جهان، کنترل و حق استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را بدست گرفت و در عرصه بین‌المللی جانشین اتحاد شوروی شد.

بر اساس نشست سران سه کشور اسلاو «روسیه»، «روسیه سفید» و «اوکراین» در هشتم دسامبر ۱۹۹۱ و انعقاد پیمان «بیلژوسک»<sup>۴</sup> جامعه کشورهای مستقل هم‌سود تأسیس شد و در روسیه سفید به امضای رؤسای جمهور این سه کشور رسید. تشکیل این جامعه به معنی اعلام نابودی اتحاد شوروی بود. در ۲۱ دسامبر همان سال در شهر آلماتی - پایتخت سابق قزاقستان - رؤسای یازده جمهوری پروتکلی بر اساس این پیمان امضا کردند که بر اساس آن آذربایجان، ارمنستان، روسیه سفید، قزاقستان، مولداوی، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و اوکراین با حقوق مساوی جامعه کشورهای مستقل هم‌سود را ایجاد کردند (کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۰-۳۴۹). در آغاز گرجستان به این جامعه نپیوست، اما در پی گسترش جنبش استقلال‌طلبانه در جمهوری خودمختار «آبخازیا» و دخالت‌های پنهان روسیه، ناچار از پیوستن به این اتحادیه شد و در دسامبر ۱۹۹۳ به عضویت آن درآمد. در نشست آلماتی، یازده

4. Belajevsk

جمهوری تشکیل‌دهندهٔ جامعهٔ کشورهای مستقل هم‌سود موافقت کردند که روسیه وارث جایگاه اتحاد شوروی در سازمان ملل شود.

ایجاد شورای رؤسای جمهوری‌ها و شورای رؤسای رهبران اجرایی بلندپایه برای هماهنگی در امور سیاسی، اقتصادی، نظامی و امور خارجی و همچنین امور مربوط به حمل‌ونقل و امنیت نیز مورد تصویب قرار گرفت. رهبران چهار جمهوری قزاقستان، اوکراین، روسیه، و روسیه سفید که دارای سلاح هسته‌ای بودند، در این نشست توافق کردند برای کاهش سلاح‌های هسته‌ای اقدام مشترکی انجام دهند. در نشست آلمانی اعلام شد چون جامعهٔ کشورهای مستقل هم‌سود مانند اتحاد شوروی یک دولت محسوب نمی‌شود، بنابراین موضوع شهروندی در آن مطرح نیست. اهداف اعلامی این سازمان عبارت بودند از: گسترش و تقویت روابط دوستانه، حسن هم‌جواری، توافقی‌های بین‌المللی، اعتماد، درک متقابل و همکاری متقابل سودمند بین کشورهای عضو سازمان (کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۰). از ابتدای تشکیل این سازمان، در میان اعضاء دو گرایش متفاوت نسبت به آن وجود داشت: در دیدگاه نخست، این سازمان به عنوان نهادی برای تسریع و بازنگری در روند هم‌گرایی برآورد می‌شد، اما در دیدگاه دوم، این سازمان ابزاری مناسب برای انتقال به استقلال کامل هر یک از جمهوری‌ها بود (کولایی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰).

### ۳- ساختار سازمان کشورهای مستقل هم‌سود

از نظر ساختاری، حدود ۵۰ شعبهٔ مشورتی بین دولتی در این سازمان مشغول فعالیت است که ۴۱ شعبهٔ آن بر اساس تصویب رؤسای جمهوری جامعهٔ کشورهای مستقل هم‌سود تشکیل شده است، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- شورای سران جمهوری‌ها: مهم‌ترین ارگان سازمان است که به مسائل مهم سازمان می‌پردازد. این شورا هر سال دو بار تشکیل جلسه می‌دهد.
- شورای نخست وزیران: همکاری نهادهای اجرایی دولت‌های عضو را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و حوزه‌های مورد علاقهٔ آن‌ها تنظیم می‌کند. این شورا هر سال ۴ نشست برگزار می‌کند.
- شورای وزرای خارجه: مصوبه‌های شورای سران جمهوری‌ها و نخست وزیران را به اجرا درآورده، سیاست‌های داخلی، خارجی و روابط با سازمان‌های بین‌المللی و مانند آن‌را بررسی می‌کند. این ارگان مهم‌ترین بخش اجرایی برای تقویت همکاری در زمینهٔ سیاست خارجی دولت‌های عضو است.

- دادگاه اقتصادی: به منظور تقویت نظارت بر تعهدات اقتصادی در چارچوب سازمان ایجاد شده است.

نهادهای مهم دیگر عبارتند از: کمیته هماهنگی و مشورتی، شورای وزیران دفاع، شورای فرماندهی نیروهای مرزبانی، کمیته ارضی بین کشوری، شورای امنیت عمومی کشورهای عضو، شورای بین دولتی در زمینه تولید، شورای بین دولتی محیط زیست، کمیته اجرایی کشورهای عضو و کمیسیون حقوق بشر که مقر آنها در شهر مینسک است. علاوه بر نهادهای یادشده، نهادهای دیگری نیز وجود دارند که در زمانهای مختلف ایجاد شده‌اند. «شورای امنیت جمعی» یکی از این نهادهاست که هدف آن هماهنگی و اقدام مشترک دولت‌های شرکت کننده است. «بانک بین دولتی» با امضای یک توافقنامه در نشست ۲۲ ژانویه ۱۹۹۳ در «مینسک» و توسط ۱۰ کشور عضو تشکیل شد و در رابطه با تجارت و هماهنگی سیاست‌های پولی دولت‌های عضو فعالیت می‌کند. «کمیته آمار بین دولتی» در دسامبر ۱۹۹۱ و با تصمیم سران دولت‌های عضو به منظور هماهنگی فعالیت نهادهای آماری دولت‌های عضو این سازمان، توسعه و اجرای روش‌های یکسان آماری به وجود آمد. «مجمع تجارت آزاد بین دولتی» در برارنده یک اتحادیه گمرکی است که اهدافی مانند کاهش تعرفه در حوزه تجارت داخلی سازمان کشورهای مستقل هم‌سود و ایجاد تعرفه خارجی مشترک، هماهنگی در زمینه‌های مالی و پولی به وسیله یک اتحادیه پرداختی از پول‌های رایج ملی، رفع موانع چند جانبه در بانک‌های عضو و انتقال احتمالی به سوی یک اتحادیه پولی را دنبال می‌کند. در اکتبر ۱۹۹۲، توافق‌نامه‌ای برای ایجاد نظام مالی و پولی هماهنگ و مشترک بین هشت کشور، امضا شد. در سپتامبر ۱۹۹۳ سران اعضای سازمان کشورهای مستقل هم‌سود برای ایجاد یک اتحادیه اقتصادی توافق کردند (Baslar, 2010, p.98). در آوریل ۱۹۹۴ بیانیه‌ای هم برای ایجاد یک ناحیه آزاد تجاری صادر شد. در ژوئن ۱۹۹۴ رئیس جمهور قزاقستان «نظربایف» که برای هم‌گرایی دولت‌های عضو پیش‌گام بود، بر اساس اصول برابری دولت‌های عضو، پیشنهاد ایجاد یک اتحادیه اوراسیایی را مطرح کرد (Kubicek, 1999, p.15).

در سپتامبر ۱۹۹۴ روسیه کوشید «کمیته اقتصادی بین دولتی» (IEC) را ایجاد کند که هدف آن برپایی یک ناحیه تجاری مشترک و بدون تعرفه در داخل این سازمان بود. کشورهای عضو این کمیته باید تجارت خارجی و سیاست‌های توسعه اقتصادی خود را هماهنگ می‌کردند. قدرت رأی در این کمیته بر اساس کمک‌های مالی دولت‌های عضو به این نهاد بود. روسیه دارای ۵۰ درصد حق رأی است، ولی برای تصمیم‌های مهم به ۷۵ درصد آرا نیاز بود. «مجمع بین پارلمانی» نیز در مارس ۱۹۹۵ و به وسیله رهبران بلندپایه مجالس دولت‌های عضو این سازمان، به عنوان نهادی مشورتی جهت بحث در مورد همکاری‌های پارلمانی و توسعه طرح‌های پارلمانی دولت‌های عضو ایجاد شد. توافق‌نامه‌ای هم

برای افزایش هم‌گرایی در حوزه‌های اقتصادی و بشردوستانه در میان چهار کشور روسیه سفید، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه به امضا رسید. همچنین توافق‌نامه‌ای برای ایجاد جمهوری‌های مستقل هم‌سود شامل روسیه سفید و روسیه، در سال ۱۹۹۵ به امضا رسید.

در سال ۱۹۹۶ ایجاد «اتحادیه گمرکی» بین کشورهای روسیه، قرقیزستان، قزاقستان و روسیه سفید به طور رسمی اعلام شد، اما توافق در مورد ایجاد یک ساختار تعرفه‌ای مشترک در ژانویه ۱۹۹۸ به امضا رسید. «نظربایف» پیشنهاد داد که این توافق‌نامه به عنوان «فضای اقتصادی» در امتداد اتحادیه اروپا گسترش یابد که مورد موافقت «یلتسین» و «لوکاشنکو» قرار نگرفت (Baslar, 2010, p.100). در فوریه ۱۹۹۹ با تصمیم شورای بین دولتی کشورهای یادشده، تاجیکستان با بهره‌مندی از همه حقوق این اتحادیه، به عضویت پذیرفته شد. در اکتبر ۲۰۰۰، این اتحادیه گمرکی به «جامعه اقتصادی اوراسیا» تغییر نام داد. نخستین نشست رسمی این مجموعه در ۳۱ مه ۲۰۰۱ برگزار شد. حق رأی در این سازمان بدین ترتیب بود: روسیه ۴۰ درصد، روسیه سفید و قزاقستان هر کدام ۲۰ درصد و تاجیکستان و قرقیزستان هم هر یک ۱۰ درصد.

در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۲ در ملاقات‌های منظمی که صورت گرفت، «شورای وزرای دفاع» توافق کردند که به مبادله اطلاعات مربوط به مسایل دفاع هوایی شان پردازند. آن‌ها همچنین تصمیم گرفتند که یک پایگاه اطلاعاتی مشترک برای سیستم دفاع هوایی شان تأسیس کنند.

دیدار سران سازمان در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳ به ریاست «کوچما» در اوکراین برگزار شد. در این نشست رهبران کشورها طرحی را برای تشکیل یک ناحیه تجاری آزاد امضا کردند. آن‌ها در ۱۶ آوریل ۲۰۰۴ در قرقیزستان در مورد تلاش‌های ضد تروریستی، فعالیت‌های تجاری و ایجاد یک کمیته به منظور مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته و تروریسم بحث و گفت‌وگو کردند. سران دولت‌های عضو در ۲۶ اوت ۲۰۰۵ دیدار و توافق کردند همکاری‌های خود را در زمینه مبارزه علیه تروریسم تقویت کنند و ابزارهای لازم را برای اجرای آن فراهم آورند. همچنین سران دولت‌های عضو این سازمان تصمیم گرفتند همکاری‌های نظامی را تقویت و آن را تا سال ۲۰۱۰ تکمیل کنند.

در ۲۵ مه ۲۰۰۶ نشستی هم در «دوشنبه» برگزار شد که محور آن کارایی هر چه بیشتر سازمان بود. در این نشست برای ایجاد همکاری بین‌المللی در زمینه حقوق بشر توافق شد. نشست سران دولت‌های عضو در ۲۵ مه ۲۰۰۷ برای گفت‌وگو در مورد انرژی در «یالتا» - «کریمه» - برگزار شد. ارمنستان، روسیه سفید، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان برای ایجاد یک بازار مشترک انرژی به منظور گسترش تجارت الکترونیکی و افزایش دسترسی به منابع انرژی کشورهای عضو توافق کردند (Commonwealth of Independent States, 2010). در ۱۲ اوت ۲۰۰۸ دولت گرجستان در پی

جنگ با روسیه از سازمان کشورهای مستقل هم‌سود جدا شد. در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۹ در پایان نشست غیررسمی سران کشورهای هم‌سود در آلمانی، رؤسای جمهوری روسیه، قزاقستان و روسیه سفید توافق کردند اتحاد گمرکی سه کشور از ژانویه ۲۰۱۰ آغاز به کار کند. در پایان نشست سران عضو سازمان کشورهای مستقل هم‌سود در سال ۲۰۱۰ که در مسکو برگزار شد، ریاست دوره‌ای آن به تاجیکستان واگذار شد. «دوشنبه» اهداف خود را در دوران ریاست بر این اتحادیه افزایش بهره‌وری و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی اعضا بیان کرد. همچنین به پیشنهاد رئیس جمهور تاجیکستان سال ۲۰۱۱ به عنوان سال امنیت غذایی اعلام شد. در دسامبر ۲۰۱۱ نشست سران عضو اتحادیه گمرکی (اوراسیا) و گردهمایی وزرای سازمان پیمان امنیت جمعی در مسکو برگزار شد.

ریاست دوره‌ای سازمان در سال ۲۰۱۲ به ترکمنستان واگذار شد. در دوره ریاست ترکمنستان برنامه و طرح‌های مختلف از جمله برگزاری نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های فرهنگی و هنری، نشست‌های کاری اقتصادی و تجاری در عرصه‌های مختلف از جمله ارتباطات، حمل‌ونقل، انرژی برگزار شد. همچنین در این سال شهر «مرو» به عنوان پایتخت فرهنگی کشورهای هم‌سود انتخاب شد.

#### ۴- زمینه‌های هم‌گرایی در سازمان کشورهای مستقل هم‌سود

هر چند سازمان «سی.آی.اس» در دوره حیات خود در زمینه هم‌گرایی اعضا موفق نبوده است، اما زمینه‌های مساعد هم‌گرایی در میان اعضای آن قابل توجه است، که عبارت‌اند از:

- آیین «مونروئه» روسی: بر اساس این آیین، روسیه برای خود در جمهوری‌های بازمانده از شوروی حق انحصاری قائل است. روسیه این کشورها را «خارج نزدیک» می‌خواند.
- حضور اتباع روس در جمهوری‌های پیشین شوروی: حضور شهروندان روس در این جمهوری‌ها و اشتغال هزاران تن از آنها در مشاغل دولتی به‌ویژه در آسیای مرکزی، زمینه گسترش روابط بین این جمهوری‌ها با روسیه را فراهم می‌کند.
- کشورهای تازه استقلال‌یافته در زمینه مواد خام و انرژی و نظامی به روسیه وابسته‌اند.
- این جمهوری‌ها اقتصاد تک محصولی دارند و در زمینه صادرات و واردات به یکدیگر وابسته‌اند.
- زبان روسی به عنوان زبان دوم در اکثر جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی در جهت احیای پیوندهای روسیه و این جمهوری‌ها رایج است.
- حفظ امنیت مرزها و همکاری برای مبارزه با بنیادگرایی و قاچاق مواد مخدر.



این سازمان همچنین در جهت هم‌گرایی و پیوند بیشتر بین اعضا، دو نهاد نظامی و اقتصادی در قالب «سازمان پیمان امنیت دسته جمعی» و «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» تأسیس کرده است.

#### ۵- موانع هم‌گرایی در سازمان کشورهای مستقل هم‌سود

در ابتدای تشکیل «سی.آی.اس»، با توجه به گستردگی و ظرفیت‌های آن، انتظار می‌رفت این سازمان کارکرد و قابلیت بالایی داشته باشد. اما گذشت زمان نشان داد که این انتظار بیهوده است. دلایل زیادی برای ناکامی این سازمان از سوی تحلیل‌گران ارائه شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: وسعت قلمروی که کشورهای عضو در آن قرار دارند، تعداد دولت‌های عضو، انواع علائق و فرهنگ‌های مختلف در میان اعضای سازمان، عدم تناسب سطح توسعه کشورهای عضو آن، حضور و نفوذ نیروهای خارجی در این منطقه (Nashiraliyev, 2010). هم‌چنین می‌توان به این موارد نیز اشاره کرد: بدبینی نسبت به نقش روسیه از سوی اعضا، اختلاف‌های داخلی، گرایش به غرب، توجه به روابط دو جانبه به جای روابط چند جانبه، سنگینی وزن روسیه نسبت به اعضای دیگر، تفاوت دیدگاه آنان به هم‌گرایی، نمایان شدن ضعف در کارکرد ساختار امنیتی این مجموعه، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌های سیاسی متفاوت و نبود اقتدار فراملیتی در سازمان.

در این نوشتار چهار عامل به عنوان موانع هم‌گرایی در این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- ۱) هراس کشورهای تازه استقلال‌یافته از احیای مجدد نفوذ روسیه به عنوان دولتی مداخله‌گر.
- ۲) بحران‌های تجزیه‌طلبانه و اختلاف‌های مرزی در میان کشورهای تازه استقلال‌یافته.
- ۳) رقابت‌های داخلی اعضای سازمان.
- ۴) رقابت روسیه و آمریکا در منطقه «خارج نزدیک».

#### ۵-۱- نگرانی کشورهای تازه استقلال‌یافته از احیای نفوذ روسیه

تلاش‌های روسیه برای تسلط بر آسیای مرکزی به قرن شانزدهم و عصر «ایوان چهارم» (ایوان مخوف) برمی‌گردد (بنیگسین و براکس آپ، ۱۳۷۰، ص ۳۰). قفقاز هم در طول تاریخ باستان بارها بین ایران و روم دست‌به‌دست شد ولی از زمان ساسانیان تحت سیطره کامل حکومت ایران قرار داشت. پس از تأسیس اتحاد شوروی تا فروپاشی این امپراتوری، قفقاز آرامشی چون آتش زیر خاکستر داشت، به گونه‌ای که پس از فروپاشی شوروی شعله‌های ناآرامی منطقه از دامنه‌های جنوبی قفقاز بزرگ در «قره باغ»، «اوستیای جنوبی»، «آبخازستان» تا دامنه‌های شمالی آن در جمهوری‌های خودمختار «چچن»، «اینگوش» و «اوستیای شمالی» بلند شد.

#### ۵-۱-۱- اهداف و منافع روسیه در «خارج نزدیک»

در نخستین سال‌های پس از فروپاشی، به علت سردرگمی ناشی از آن و رقابت بین نیروهای محافظه‌کار (دوما) و اصلاح‌طلب (ریاست جمهوری)، روسیه نتوانست سیاست خارجی مشخص و واقع‌بینانه‌ای در مناطق پیرامونی پایه‌ریزی کند. مسأله اساسی سیاستمداران روس گسترش روابط با غرب بود. اما اوج‌گیری جنگ داخلی تاجیکستان و مهاجرت اقلیت روس از این کشور و همچنین تشدید قاچاق مواد مخدر سبب توجه مقام‌های روس به مناطق پیرامونی شد. در این دوران روسیه نگران از دست رفتن نفوذ خود در منطقه در مقابل قدرت‌های فرامنطقه‌ای بود. این نگرانی موجب شد تا سیاستمداران روسی درصدد جلوگیری از نفوذ دیگران در حیات خلوت این کشور برآیند. گرچه به نظر می‌رسد روس‌ها دریافته‌اند که نتیجه نهایی هم‌گرایی ممکن است امپراتوری واحد نباشد، اما اصرار دارند که دوباره تبعیت تدریجی جمهوری‌های پیشین شوروی را در چارچوب کشورهای مستقل هم‌سود به‌دست آورند (شیرغلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). به‌طور کلی منافع ملی روسیه در منطقه خارج نزدیک عبارت است از: بهره‌برداری از منابع و ذخایر زیرزمینی منطقه، جلوگیری از افراط‌گرایی اسلامی، حضور روسیه در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای، گسترش و تقویت سرمایه‌گذاری روسیه در حوزه‌های مختلف اقتصادی در جمهوری‌های پیرامون، حمایت از حقوق اقلیت روس در این مناطق و تقویت فرهنگ و زبان روسی در این مناطق، تقویت ثبات و امنیت در مرزهای مشترک خود با این جمهوری‌ها (D. Sc. (hist), 2006, p.27) و توسعه مناسبات دو یا چند جانبه با کشورهای هم‌سود. بر مبنای راهبرد امنیت ملی خود تا سال ۲۰۲۰، روسیه تلاش می‌کند تا ظرفیت هم‌گرایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در چارچوب این سازمان و نیز سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا که بر اوضاع مناطق هم‌مرز کشورهای هم‌سود تأثیر تثبیت‌کننده‌ای دارند، توسعه دهد.

#### ۵-۱-۲- اهداف و استراتژی کشورهای منطقه برای مقابله با روسیه

جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز بنا بر ساختار اتحاد شوروی، به یکدیگر و به‌ویژه به روسیه وابسته بودند. این جمهوری‌ها در جهت کاهش وابستگی نظامی-امنیتی به روسیه، استراتژی همکاری با سازمان‌های نظامی-امنیتی فرامنطقه‌ای مانند ناتو و شورای امنیت و همکاری اروپا را در دستور کار خود قرار دادند. آن‌ها پس از استقلال با کمبود متخصص و کادر زبده نظامی مواجه بودند و کنترل مستقیمی بر تسلیحات نظامی شوروی، پایگاه‌های آموزشی-تحقیقاتی و کارخانه‌های ساخت ادوات و سلاح مستقر در خاک خود نداشتند (آکینر، ۱۳۷۵، ص ۹۸). در زمان شوروی افسران روس و اسلاو، نیروهای مسلح کشورهای منطقه را رهبری می‌کردند. در سال ۱۹۹۲ هنگامی که واحدهای نظامی شوروی میان فدراسیون روسیه و دیگر جمهوری‌ها تقسیم شد، نمی‌شد کمبود افسران ملی را در این

جمهوری‌ها نادیده گرفت. برای نمونه تنها ۴ درصد از افسران نیروهای مسلح قزاقستان را قزاق‌ها تشکیل می‌دادند. همچنین بیش از ۸۰ درصد افسران فعال در ارتش ازبکستان روس زبان بودند (بارلیسکی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۰). با این وضعیت جمهوری‌های منطقه پس از استقلال ناچار بودند در ترتیبات نظامی - امنیتی کشورهای مستقل هم‌سود فعالیت خود را ادامه دهند. اما این همکاری‌ها در چارچوب سازمان کشورهای مستقل هم‌سود مانع همکاری‌های نظامی - امنیتی این کشورها با دیگر سازمان‌های فرامنطقه‌ای از جمله ناتو نبود. هدف اصلی از این برنامه‌ها تضعیف روسیه بود و هدف کشورهای منطقه از پیوستن به آن عبارت بود از: کاهش وابستگی نظامی این کشورها به روسیه، نوسازی امکانات نظامی و تجهیزات، مطالعه و تحقیقات مشترک و تقویت حاکمیت ملی کشورشان (شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

## ۵-۲- بحران‌های تجزیه‌طلبانه و اختلاف‌های مرزی در میان اعضا

### ۵-۲-۱- بحران قره باغ

در تقسیمات کشوری اتحاد شوروی، «قره باغ» به عنوان استانی خودمختار در جمهوری آذربایجان قرار داشت. با روی کار آمدن «گورباچف» در اواخر دوران اتحاد شوروی، برخی از شخصیت‌های علمی و سیاسی ارمنستان با ارسال طومارهایی به «گورباچف»، خواستار انضمام قره باغ به جمهوری ارمنستان شدند، ولی پاسخ دبیرخانه مرکزی حزب کمونیست شوروی منفی بود. پس از انتشار این پاسخ در اوایل فوریه ۱۹۸۸، تظاهراتی در حمایت از پیوستن منطقه قره باغ به ارمنستان در «خان‌کندی» مرکز قره باغ صورت گرفت. با استقلال جمهوری آذربایجان و ارمنستان و پایان اقتدار شوروی، اوضاع این منطقه متشنج شد. در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ آرامنه و شبه نظامیان ارمنی نه تنها قره باغ، بلکه شهرهای پیرامون قره باغ مانند «لاچین»، «کلیجر»، «قبادلی»، «فیضولی»، «آفدام» و «جبریل» را اشغال کردند؛ به طوری که ۲۰ درصد از خاک آذربایجان در اشغال شبه نظامیان ارمنی قرار گرفت (واعظی، ۱۳۸۲، ۳۵-۳۱).

### ۵-۲-۲- مناقشه آبخازیا و مناقشه اوستیای جنوبی

همزمان با ایجاد فضای باز سیاسی در شوروی در اواخر دهه ۸۰، تحولاتی از سوی «آبخاز»ها که دارای فرهنگ، زبان و قومیت متفاوت از «گرجی»ها هستند برای جدایی از گرجستان انجام شد (کولایی، ۷۳، ۱۶۹-۱۶۸). در مه ۱۹۹۱ «زوید گامسا خوردیا» به ریاست جمهوری گرجستان برگزیده شد. وی با خودداری از عضویت در سازمان کشورهای مستقل هم‌سود، شورش «اوست»ها و «آبخاز»ها را توطئه روس‌ها تلقی کرده و خودمختاری این مناطق را لغو کرد. او در داخل نیز متهم به دیکتاتوری شده و با اوج‌گیری تظاهرات خیابانی پس از چند هفته مقاومت سرسختانه، «تفلیس» را ترک کرد و با

کمک «اوست»ها از طریق «اوستیای شمالی» به پایتخت «چچن و اینگوش» و نزد ژنرال «دودایف»، رئیس جمهور وقت چچن، پناه گرفت. پس از سقوط «گامسا خوردیا» جنگ در «آبخازیا» شدت گرفت. سرانجام ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۳ «سوخومی» مرکز «آبخازیا» سقوط کرد. پس از برقراری آتش‌بس، با تلاش‌های سازمان ملل در چارچوب شورای هماهنگی سازمان ملل، مذاکرات گرجستان و «آبخازیا» با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافت، ولی نتیجه‌ای در بر نداشت. پس از جنگ اوت ۲۰۰۸ روسیه و گرجستان، روسیه استقلال این جمهوری‌ها را مورد شناسایی قرار داد.

### ۵-۳- اختلاف‌های داخلی اعضای سازمان کشورهای مستقل هم‌سود

#### ۵-۳-۱- ازبکستان و قزاقستان

اختلاف دو کشور بر سر مسائل مرزی و سیاسی است. اختلاف مرزی دو کشور به زمان تقسیم‌های مرزی و تأسیس جمهوری‌های آسیای مرکزی در سال ۱۹۲۴ بازمی‌گردد. مهم‌ترین اختلاف دو کشور در آن زمان، «تاشکند» بود، شهری که ازبک‌ها فقط یک سوم جمعیت آن‌را تشکیل می‌دادند، اما بنابر نظر «استالین» به ازبک‌ها تعلق گرفت. در مرزبندی سال ۱۹۲۴ اقلیت‌های زیادی از دو قوم، ازبک‌ها در قزاقستان و بر عکس قزاق‌ها در ازبکستان باقی ماندند. اختلاف‌های مرزی دو کشور پس از استقلال بیشتر روی تعیین حدود و علامت‌گذاری مرزها و همچنین زمین‌های کشاورزی بوده است. ازبک‌ها و قزاق‌ها از زمان تشکیل شوروی رقابت شدیدی برای رهبری منطقه داشتند. ازبکستان که براساس مرزبندی سال ۱۹۲۴ مالک شهرهای مهم تاریخی و صنعتی مانند «بخارا»، «سمرقند»، «خوارزم» و «تاشکند» شده و بیش‌ترین سود را برده بود، پیوسته خواستار رهبری منطقه بود. این موضوع از سوی مسکو هم به رسمیت شناخته شد. در زمان شوروی سابق، رقابت ازبکستان و قزاقستان بر سر دریافت و اختصاص بودجه از مرکز بود. پس از فروپاشی شوروی، رقابت دو کشور به تلاش برای جلب سرمایه و حمایت کشورهای غربی معطوف شد. ازبکستان از نظر جمعیت، همچنان بزرگ‌ترین کشور منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود. برتری‌خواهی ازبکستان، واکنش دیگر کشورهای منطقه - و به‌ویژه قزاقستان - را در پی داشت. قزاقستان تنها کشور منطقه است که بنا به توان صنعتی و بزرگی سرزمین از قدرت رقابت با ازبکستان برخوردار است (غیاث اف، ۱۳۸۱، ۱۰۴).

#### ۵-۳-۲- روسیه و اوکراین

اوکراین، پس از روسیه دومین جمهوری بزرگ در میان «جامعه کشورهای مستقل هم‌سود» است، که ۲۲ درصد جمعیت آن را روس‌ها تشکیل داده‌اند. شبه جزیره «کریمه»، تقسیم ناوگان دریای سیاه و سرنوشت تسلیحات هسته‌ای مستقر در خاک اوکراین از جمله چالش‌های سیاسی روسیه و اوکراین در

چارچوب کشورهای مستقل هم‌سود بوده است. در سال ۱۹۵۴ «خروشچف» به نشانه دوستی دو جمهوری، شبه جزیره «کریمه» (قرم) را به اوکراین اهدا کرد. ملی‌گرایان روسیه پس از فروپاشی، خواستار پیوستن دوباره آن به روسیه بوده‌اند. پارلمان اوکراین کوشید به این شبه جزیره خودمختاری بیشتری اعطا کند تا روند جدایی‌طلبی را متوقف سازد. در ژانویه ۱۹۹۴ بخشودگی‌های مالیاتی نسبت به اهالی «کریمه» از سوی دولت «کی‌یف» اعلام شد و بنا شد ۵ درصد از بودجه اوکراین به این جمهوری خودمختار اختصاص یابد. با وخامت بیشتر اقتصاد اوکراین، «کریمه» نیز خواهان خودمختاری بیشتری در امور داخلی خود شد (کولای، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴-۱۴۳). در سال ۱۹۹۲ روسیه و اوکراین برای تقسیم ناوگان دریای سیاه توافق کردند. سپس در مورد فرماندهی مشترک آن به توافق رسیدند (هر چند این تصمیم جنبه عملیاتی پیدا نکرد). وضعیت «کریمه» نیز بر تقسیم ناوگان دریای سیاه و تأسیسات بندری آن مؤثر بوده است. به نظر بسیاری از مقام‌های اوکراین، روسیه برای استمرار نفوذ بر «کریمه»، نفوذ خود بر این ناوگان را دنبال می‌کند. با وجود اختلاف نظرهای بسیار، سرانجام در مه ۱۹۹۷ «ویکتور چرنومیردین»، نخست‌وزیر روسیه و «پاول لازارنکو»، نخست‌وزیر اوکراین قرارداد تقسیم ناوگان دریای سیاه را امضا کردند (Sherr, 1997, p.33). در سپتامبر ۱۹۹۳ در «ماساندر»<sup>۵</sup> روسیه و اوکراین تصمیم گرفتند بخشی از سلاح‌های هسته‌ای اوکراین به روسیه منتقل شود (کولای، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶).

### ۵-۳-۳- تاجیکستان و ازبکستان

تاریخ ازبکستان و تاجیکستان در بسیاری از موارد به هم گره خورده است. مسؤولان ازبک مانع تأسیس جمهوری تاجیکستان در اتحاد شوروی بودند، ولی در سال ۱۹۲۹ مسکو تصمیم گرفت تاجیکستان را به یک جمهوری متحد تبدیل کند (روبین، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵). ازبکستان برای دفاع از اقلیت ازبک، در پی نفوذ در تاجیکستان است. از سوی دیگر به دلیل حضور اقلیت تاجیک در ازبکستان و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها از تحولات تاجیکستان، نگرانی زیادی از رشد اسلام‌خواهی و گسترش آن به ازبکستان در بین دولت‌مردان ازبک وجود دارد. ازبکستان همواره سعی داشته است از اهرم‌های زیر برای دست‌یابی به اهداف خود در تاجیکستان استفاده کند:

- استفاده از اقلیت ازبک جمهوری تاجیکستان: ازبک‌های مستقر در تاجیکستان در امور تجاری و صنعتی شمال این کشور به خصوص «خجند» فعال بوده و این موضوع سبب نفوذ و قدرت این اقلیت در امور سیاسی شده است.

- استفاده از دستگاه اطلاعاتی: از پاکستان دارای قوی‌ترین سازمان اطلاعاتی در آسیای مرکزی است. این سازمان از ابزارهای خود برای دستیابی به اهدافش از جمله سرکوبی اسلام‌خواهی استفاده می‌کند (روبین، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵).

در پی جنگ داخلی در تاجیکستان، سرانجام نیروهای هوادار نخبگان کمونیسم موفق به تصرف «دوشنبه» و سرنگون کردن حکومت ائتلافی شدند. موافقت‌نامه‌ی نهایی صلح تاجیکستان در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ در مسکو با حضور کشورها و سازمان‌های میانجی، به امضای رئیس‌جمهور تاجیکستان و رهبر اتحادیه‌ی مخالفان تاجیک رسید (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۸-۲۶۶).

### ۵-۳-۴- اختلاف‌های روسیه و گرجستان

گرجستان از زمان استقلال در سال ۱۹۹۲، همواره برای روسیه یک چالش بوده است (کولایی، ۱۳۷۶، ص ۸۲). یکی از دلایل حساسیت روابط روسیه و گرجستان، مرز مشترک گرجستان و «چچن» است. هنگامی که در سال ۱۹۹۹ جنگ دوم روسیه و جدایی‌طلبان چچن آغاز شد، روس‌ها از گرجستان انتظار کمک بیشتری برای سرکوب جدایی‌طلبان داشتند. یکی دیگر از علل اصلی اعمال فشار روسیه به گرجستان آن است که علاوه بر روسیه، گرجستان تنها کشوری بود که توانسته امکان انتقال انرژی از قفقاز و حتی آسیای مرکزی را فراهم کند. پس از تثبیت نسبی اوضاع روسیه در «چچن»، دو مسأله در روابط روسیه و گرجستان بسیار تأثیرگذار بود: پایگاه‌های نظامی روسیه در گرجستان و موضوع «اوستیای جنوبی» و «آبخازیا». از زمان استقلال گرجستان، روسیه هم از منطقه «اوستیای جنوبی» و جمهوری «آبخازیا» به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی گرجستان استفاده کرده است.

انقلاب «گل سرخ» سال ۲۰۰۳ در گرجستان بر شدت تیرگی روابط دو کشور افزود. «ساکاشویلی» پس از انتخاب، یکپارچگی گرجستان را در دستور کار خود قرار داد. پس از آن که در مه ۲۰۰۴ با کمک روسیه توانست منطقه «آجاریا» را در کنترل خود درآورد، برای الحاق دو منطقه دیگر تلاش خود را آغاز کرد. البته وضعیت در «اوستیای جنوبی» و «آبخازیا» با وضعیت در «آجاریا» به طور کامل متفاوت بود. روسیه از یک سو به دلیل ناتوانی حکومت «آباشیدزه» در «آجاریا» و بی‌فایده بودن حمایت از او و از سوی دیگر برای نشان دادن حسن نیت خود به دولت جدید گرجستان، زمینه را برای کناره‌گیری «آباشیدزه» از قدرت فراهم ساخت. اگر مسأله «آبخازیا» و «اوستیای جنوبی» حل می‌شد، جمهوری «چچن» تنها منطقه‌ای بود که به چالش جدایی‌طلبی در قفقاز شمالی مبتلا است. ولی حمله گرجستان به «اوستیای جنوبی» و کشتن تعدادی از سربازان پاسدار صلح روسی مستقر در منطقه حایل

بین جدایی طلبان و دولت مرکزی، روسیه را به واکنش تند واداشت (امیراحمدیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵). در پی جنگ اوت ۲۰۰۸ جدایی هر دو منطقه با اعزام سفیر از سوی مسکو دنبال شد.

#### ۴-۵- رقابت روسیه و آمریکا در «خارج نزدیک»

روابط روسیه و آمریکا فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده است. با فروپاشی شوروی به مدت چند سال به دلیل ضعف روسیه، اختلاف‌های روسیه و آمریکا کم‌رنگ شد. نبود استراتژی واقع‌گرایانه در عرصه سیاست خارجی روسیه، شرایط را از هر نظر برای تعقیب رویکرد غرب‌گرایانه به‌ویژه در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ فراهم کرد. غرب‌گرایان در روسیه معتقد بودند روسیه برای اجرای اصلاحات اقتصادی به حسن نیت و حمایت غرب نیازمند است. رد هرگونه تضاد و تقابل با هنجارهای دموکراتیک غرب، توسعه روابط با آن و نبود درگیری در مسایل آسیای مرکزی و قفقاز، حمایت از سیاست‌های غرب در خاورمیانه و تقویت روابط با اسرائیل از دیگر ویژگی‌های این رویکرد بود (کریمی، ۱۳۸۴، ۶۴). اما از نیمه دهه ۱۹۹۰ روسیه درصدد احیا و بازیافتن موقعیت بین‌المللی خود برآمد.

#### ۱-۴-۵- روسیه و «خارج نزدیک»

پس از فروپاشی شوروی با وجود مسائل و مشکلات درونی، به زودی اهمیت این منطقه برای مسکو روشن شد. ساختار داخلی جمهوری‌ها، پیوستگی و واحد بودن عرصه انرژی، حمل‌ونقل کالا، حضور محسوس زبان و فرهنگ روسی و نیز روس تبارها، مزیت‌های روسیه در رابطه با این منطقه است (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵-۲۷۴). هرچند روس‌ها به این نکته پی برده‌اند که تشکیل یک امپراتوری واحد امکان‌پذیر نیست، ولی می‌کوشند احیای تدریجی نفوذ در جمهوری‌های پیشین شوروی را در چارچوب «سازمان کشورهای مستقل هم‌سود» تحقق بخشند. به همین دلیل به شدت مخالف حضور قدرت‌های خارجی در جمهوری‌های پیرامون خود هستند. به‌طور کلی سیاست مسکو در برابر «خارج نزدیک» خود از نظر استراتژیک چهار بعد دارد:

- روسیه می‌خواهد تا با اعمال فشار بر گرجستان و آذربایجان، آسیب‌پذیری آن‌ها را در مقابل بی‌ثباتی افزایش دهد، تا از این راه جایگاه خود را در حیاط خلوت سیاسی و اقتصادی این کشورها تقویت کند.
- روسیه می‌خواهد اوکراین به گونه‌ای به چارچوب روابط ویژه اسلاو برگردد. در این چارچوب تقویت اتحاد روسیه- روسیه سفید نیز مطرح است که فراهم‌کننده یک الگوی ویژه برای «همبستگی و برادری اسلاو» باشد.

- مسکو بر آن است تا جهت جلوگیری از پیوستن جمهوری‌های بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) به ناتو فشار خود را دوچندان سازد؛ چراکه از نظر مسکو آن‌ها باید همچنان در حوزه نفوذ روسیه باقی بمانند.

- در آسیای مرکزی نیز پایه سیاست مسکو حفظ ساختارهای سیاسی و امنیتی روسیه‌محور و محدود کردن حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرت‌های دیگر است.

در مجموع می‌توان گفت روسیه در مقابل سیاست غرب و ایالات متحده جهت مهار و تبدیل این کشور به یک قدرت درجه دوم، به یک استراتژی ضد موازنه‌ای دست زده است تا بدین وسیله به قدرت نفوذ هم‌پای غرب دست یابد (شیر غلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۷-۱۸).

#### ۵-۴-۲- ایالات متحده و «خارج نزدیک»

با فروپاشی اتحاد شوروی، فرصتی برای ایالات متحده ایجاد شد تا در خلاء به وجود آمده از حذف ابرقدرت رقیب، جایگاه و موقعیت بین‌المللی خود را تقویت کرده، ضمن حفظ نفوذ خود در مناطق مختلف جهان، خود را به عنوان سرکرده و رهبر نظم نوین جهانی معرفی کند. در این راستا، روسیه به مثابه وارث اصلی شوروی، به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی و بین‌المللی ایالات متحده تبدیل شد (شیر غلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۷-۱۸). سیاست آمریکا در برابر روسیه دوگانه است، یعنی در ظاهر تلاش می‌کند روسیه را با سیاست‌هایش همراه سازد، ولی در عمل به دنبال کم‌رنگ کردن حضور و نفوذ روسیه در منطقه است. آمریکا ادامه نفوذ روسیه را خطری برای منافع درازمدت و متعدد خود در منطقه تلقی می‌کند (واعظی، ۱۳۸۷، صص ۲۸۵). هدف دراز مدت و کلان آمریکا این است که با ورود به حیات خلوت روسیه و حضور در منطقه از شکل‌گیری پیمان‌ها و اتحادهای نظامی با ترکیب‌های متفاوتی از ایران، روسیه، هند، چین و برخی دولت‌های آسیای مرکزی جلوگیری کند. آمریکا نگران احیای امپراتوری شوروی و یا قدرت‌گیری مجدد روسیه است (نقدی‌نژاد و سوری، ۱۳۸۷، صص ۱۶۶). آمریکا و قدرت‌های متوسط و کوچک دارای منافع مشترک هستند؛ زیرا آمریکا برای جلوگیری از قدرت‌یابی قدرت‌های منطقه‌ای به همکاری با این گونه کشورها احتیاج دارد و کشورهای متوسط و کوچک نیز برای جلوگیری از تسلط قدرت‌های درجه دو بر منطقه، خواستار همکاری با قدرت درجه یک (یعنی آمریکا) هستند (کیسینجر، ۱۳۸۱، صص ۴۷).

#### ۵-۴-۳- حضور نظامی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر در «خارج نزدیک»

پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر و در جریان عملیات نظامی در افغانستان، آمریکا همکاری‌های نظامی و امنیتی خود را با کشورهای منطقه گسترش داد. دولت آمریکا با کشورهای قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان برای استقرار نظامیان این کشور یا استفاده از پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی آن‌ها چند موافقت‌نامه نظامی کوتاه مدت منعقد کرد. بر اساس این توافق هزار و پانصد سرباز



آمریکایی در پایگاهی در «خان‌آباد» در ازبکستان، ده‌ها نفر در پایگاهی در «کولاب» در تاجیکستان و سه هزار نفر در پایگاه هوایی «ماناس» در قرقیزستان مستقر شدند. آمریکا پس از حضور نظامی، سعی داشت در مرحله بعد در مسایل منطقه‌ای نقش آفرینی کند و از این راه جایگاه خود را در ترتیبات امنیتی منطقه ارتقاء بخشد. بهترین آغاز برای این کشور نیز دخالت در روند مناقشه‌های منطقه‌ای مانند ناگورنو قره باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی است (وحیدی، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

#### ۴-۴-۵- انقلاب‌های رنگی، عرصه‌ای دیگر رقابت آمریکا و روسیه در «خارج نزدیک»

هنگامی که در نوامبر ۲۰۰۳ تعداد زیادی از مخالفان «ادوارد شواردنازه» در گرجستان مقابل کاخ ریاست جمهوری تجمع کرده و خواستار استعفای او و برگزاری انتخابات سالم در این کشور شدند، بلافاصله بخش قابل توجهی از تحلیل‌ها با توجه به سوابق رهبران احزاب مخالف و تلاش‌های گسترده سفیر آمریکا در تفلیس به این سمت سوق پیدا کرد که این اقدام‌ها را در قالب کوشش آمریکا برای تضعیف موقعیت روسیه و در چارچوبی بزرگ‌تر، کوششی برای محدود ساختن و عقب راندن روسیه به درون مرزهای ملی خود تفسیر کنند. به همین ترتیب، هنگامی که هواداران «ویکتور یوشنکو» در اوکراین در مخالفت با بروز تقلب در شمارش آرای مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری برای چند هفته میدان اصلی شهر «کی‌یف» را به تصرف خود درآوردند، با توجه به حمایت روسیه از «ویکتور یانکوویچ» و همچنین حمایت گسترده غرب از «یوشنکو» مجدداً بروز جنگ سرد تازه میان آمریکا و روسیه تبدیل به موضوع اصلی تحلیل‌گران شد. در جریان شورش خیابانی در قرقیزستان که به برکناری «عسگر آقایف»، رئیس جمهور این کشور منجر گردید، نیز با توجه به حمایت‌های آمریکا از مخالفان «آقایف» و پناه بردن وی به روسیه، این موضوع مطرح شد که تحولات در قرقیزستان بخش دیگری از پروژه کلان آمریکا برای ایجاد دولت‌های هم‌سو با این کشور در حوزه جمهوری‌های پیشین شوروی است (کولایی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱-۱۲۴).

#### ۵-۴-۵- گسترش «ناتو» به سوی شرق

دولت‌های بازمانده از شوروی، ضعیف هستند و محیط امنیتی خود را تهدیدآمیز می‌دانند. احیای نفوذ روسیه، گسترش بنیادگرایی اسلامی و هرج و مرج در افغانستان از جمله این تهدیدها است. به علاوه مشکلات سیاسی، اقتصادی، قومی، جنایی و درگیری‌های نظامی این کشورها با هجوم پناهندگان، حمایت از شورشیان و جنگ ناشی از نبرد و هرج و مرج در افغانستان تشدید شده است. پس از ۱۱ سپتامبر این ترس با افزایش درگیری‌ها و ناآرامی‌ها در افغانستان بیشتر شد. دولت‌های منطقه برای مقابله با تهدیدهای پیش‌رو، چشم به کمک‌های خارجی دارند. در نتیجه بیشتر کشورهای منطقه امید داشتند کمک‌های غرب به ایجاد توازن در مقابل روسیه منجر شود. این امر دلیلی برای حضور بسیاری

از این کشورها در برنامه مشارکت برای صلح ناتو است. ایده مشارکت برای صلح ناتو را ابتدا «لس آسپین» وزیر دفاع آمریکا مطرح ساخت. او در نشست وزرای دفاع ناتو در اکتبر ۱۹۹۳ برنامه توسعه ناتو را (بدون منزوی کردن روسیه از این برنامه) عنوان کرد. با وجود تلاش‌های غرب برای ترغیب روسیه به پذیرش توسعه ناتو، مخالفت‌های داخلی در روسیه با آن ادامه یافت. درحالی‌که شمار اندکی از نخبگان سیاسی روسیه با توسعه ناتو موافقت کرده‌اند، اکثریت آن‌را مغایر با منافع ملی خود می‌دانند (کولایی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱-۲۷۲).

#### ۴-۶- رویکرد آمریکا به امنیت انرژی در منطقه

با روی کار آمدن «کلینتون» در آمریکا رویکرد تازه‌ای در سیاست خارجی آمریکا نسبت به امنیت انرژی شکل گرفت و طرح امنیت انرژی در کنگره آمریکا به تصویب رسید. این طرح شامل چگونگی تولید و مصرف انرژی در آمریکا و واردات و صادرات آن بود (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۸). هر چند آمریکا نیاز مبرمی به نفت و گاز منطقه نداشت، ولی تولید بیشتر بر قیمت تأثیرگذار بوده و این موضوع مرتبط با منافع آمریکا است. اهداف این کشور عبارتند از تأمین امنیت انرژی و حرکت در جهت تنوع منابع و راه‌های دستیابی به آن. بنابراین در صدد یافتن منابع متعدد انرژی و مسیرهای متنوع دسترسی به آن بود. از نظر آمریکا، بهترین مسیر برای استفاده از منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز، ترکیه است. مسیر ترکیه باعث کاهش وابستگی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به روسیه و ایران می‌شود (آلیکر و ساین، ۱۳۸۲، ص ۳۱۲). سرمایه‌گذاری آمریکا در مسیر «باکو-تفلیس-جیحان» هم به منزله تأکید آمریکا بر ابعاد استراتژیک مسأله تنوع مسیرهای دسترسی به انرژی است و باید در راستای استراتژی امنیت انرژی آمریکا تحلیل شود. عبور نکردن خطوط لوله از روسیه به کاهش قدرت و نفوذ این کشور بر همسایگانش منجر می‌شود. تأکید سیاست خارجی آمریکا بر موضوع امنیت انرژی، موجب تغییر نگرش این کشور به روسیه به عنوان پل ورودی منطقه شد. در روسیه نیز با تغییر صحنه سیاست داخلی و روی کار آمدن ملی‌گرایان در اواسط دهه ۱۹۹۰، نگرش به فعالیت آمریکا در منطقه تغییر کرد. روس‌ها تحولات منطقه را در راستای منافع ملی خود تحلیل نکردند و نوعی واگرایی در میان اهداف دو کشور در منطقه ایجاد شد.

#### ۴-۷- حمایت آمریکا از گسترش دموکراسی در منطقه

پس از فروپاشی شوروی خلاء ایدئولوژیک در منطقه به وجود آمد که اسباب مداخله کشورهایمانند ترکیه، افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین را فراهم ساخت. با سفر «جیمز بیکر» به آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۲، آمریکا به دنبال ارائه الگوی جدیدی برآمد که جایگزین کمونیسم شود. از سوی دیگر جمهوری‌های جدید هم به دنبال انتخاب بین دو الگوی دینی و غیردینی دموکرات بودند که با

رهنمودهای آمریکا راه دوم را انتخاب کردند (سجادپور، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵-۱۰۴). با فروپاشی شوروی، این روسیه بود که به عنوان وارث اصلی، یکی از مهم ترین اولویت های سیاست خارجی آمریکا تلقی شد. در اصل آمریکا نیاز دارد که روسیه را به اصلاحات داخلی ترغیب کند؛ زیرا واشنگتن نسبت به این ضرورت آگاه است که مشارکت روس ها در نظام بین المللی باید با شیوه های مسالمت جویانه تأمین شود. این موضوع به ویژه برای امنیت اروپا ضروری است. تأمین صلح و ثبات در اروپا بدون مشارکت و مساعدت روسیه امکان ندارد. آمریکا تلاش می کند با تشویق اصلاحات داخلی در روسیه، این کشور را به یک کشور دموکراتیک، آرام و غیر چالش گر در صحنه بین المللی تبدیل سازد ( شیرغلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

### نتیجه گیری

در نخستین دهه پس از فروپاشی شوروی، روس ها به علت مشکلات قومیتی و اقتصادی، به مناطق پیرامونی خود در منطقه خارج نزدیک توجه کافی نداشتند. وجود منابع انرژی در این منطقه و موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن باعث شد که قدرت های بین المللی به خصوص آمریکا در صدد نفوذ در منطقه و همکاری با جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی برآیند. از طرفی پس از گذشت یک دهه از فروپاشی شوروی و ظهور «ولادیمیر پوتین» در عرصه سیاسی روسیه، این کشور سعی کرد با احیای قدرت خود با این نفوذ سازمان یافته مقابله کند. تا قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر، سیاست آمریکا در منطقه بر اساس جلوگیری از احیاء نفوذ تاریخی روسیه، مقابله با نفوذ چین و ایران و کنترل منابع انرژی در این منطقه بود، اما پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و در پی حمله ایالات متحده به افغانستان اولویت های این کشور نیز به سمت مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم تغییر کرد و همین امر در مقطعی اسباب هم گرایی سیاست های آمریکا و روسیه را در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی فراهم کرد. اما در سال های اخیر و با برخی اقدامات غرب مانند حمایت از گسترش انقلاب های رنگی در گرجستان، قرقیزستان و اوکراین، طرح استقرار سیستم دفاع موشکی و حمایت از گسترش ناتو به شرق، سوء ظن روس ها نسبت به آمریکا تشدید شد. در نتیجه، دور جدیدی از چالش و رقابت در منطقه بین آنها آغاز شده که به صورت همکاری های دو جانبه آمریکا و روسیه با کشورهای عضو سازمان کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) قابل مشاهده است.

## منابع

- آقاجانی اصفهانی، ن. (۱۳۷۳). بررسی ریشه‌های اختلاف در روابط روسیه و اوکراین. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۳(۶)، ۵۹-۶۴.
- آکینر، ش. (۱۳۶۶). *اقوام مسلمان اتحاد شوروی* (ترجمه ع. خزاعی فر). مشهد: آستان قدس رضوی.
- آکینر، ش. (۱۳۷۵). تهدیدات و تصور تهدیدات در آسیای مرکزی (ترجمه م. ساقیان). *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۵(۱۳).
- آلیکرو، ا. و ساینه، ت. (۱۳۸۲). *گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی* (ترجمه م. ر. گلشن پژوه، ع. کاردان و ح. س. کلاهی). تهران: موسسه بین‌المللی ابرار معاصر.
- احمدی، ح. (۱۳۸۷). چالش‌های قومی در قفقاز. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۷(۶۳).
- امیر احمدیان، ب. (۱۳۸۷). جنگ قفقاز: یازده سپتامبر روسیه. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۷(۶۳).
- بارنت، ر. (۱۳۷۵). دلایل و عواقب جنگ داخلی تاجیکستان. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۵(۱۵).
- باریلسکی، ر. (۱۳۷۲). *نظام ارتشی آسیای مرکزی و روسیه در سال سرنوشت ساز ۱۹۹۲* (ترجمه س. حاج حریری). *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲(۴).
- بنیگسن، ا. و براکس آپ، م. (۱۳۷۰). *مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمالی، ح. (۱۳۸۰). *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل*. تهران: نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج.
- شیرغلامی، خ. (۱۳۸۰). ایالات متحده و روسیه: مشارکت یا تقابل استراتژیک؟ *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۰(۳۳).
- عامری، ث. (۱۳۷۹). مبانی و رویکردها و سیاست راهبردی روسیه. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۹(۲۹).
- غیاث اف، م. (۱۳۸۱). *ساختار اقتصادی و روند کند هم‌گرایی کشورهای CIS با بررسی موردی آسیای مرکزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران.
- فرانکل، ج. (۱۳۷۱). *نظریه معاصر در روابط بین‌الملل* (ترجمه و. بزرگی). تهران: اطلاعات.
- کاظمی، ا. (۱۳۸۴). *امنیت در قفقاز جنوبی*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کریمی، ج. (۱۳۸۴). *تحولات سیاست خارجی روسیه، هویت دولت و مسأله غرب*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- کولایی، ا. (۱۳۷۶). *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*. تهران: سمت.
- کولایی، ا. (۱۳۷۹). *اکو و هم‌گرایی منطقه‌ای*. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- کولایی، ا. (۱۳۸۰). *اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کولایی، ا. (۱۳۸۵). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
 کیسینجر، ه. (۱۳۸۱). دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱ (ترجمه ا. راه چمنی). تهران: ابرار معاصر.  
 نقدی‌نژاد، ح. و سوری، ا. م. (۱۳۸۷). رقابت روسیه و آمریکا در اوراسیا. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*،  
 ۱۷(۶۲)، ۱۶۸-۱۵۸.

واعظی، م. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
 وحیدی، م. (۱۳۸۰). گوام و CIS: چالش‌ها و فرصت‌های فرا روی سیاست خارجی روسیه. *مطالعات آسیای  
 مرکزی و قفقاز*، ۱۰(۳۳)، ۶۷.

About Commonwealth of Independent States, available at:  
<http://www.cisstat.com/eng/cis.htm>. (accessed on: 2010, December 1).

Babayev, R. The Commonwealth of Independent States: is there anything to be explained by neo-functionalists?. available at:  
<http://www.caei.com.ar/es/programs/cei/p27.pdf>. (accessed on: 2010, May 11).

Baslar, Kemal. The Commonwealth of Independent States: decayed within a decade. available at:  
<http://www.politics.ankara.edu.tr/kemal-baslar.pdf>. (accessed on: 2010, October 2).

Cantori, L. J. and S. L. Spiegel (1970). *The international politics of region: A comparative approach*. New Jersey: Prentice Hall.

Commonwealth of Independent States, Center of Nonproliferation Studies. available at:  
<http://www.nti.org/e-research/official-docs/inventory/pdf/cis.pdf>. (accessed on: 2010, October 2).

D.S.C. (Hist). (2006). Russian strategy in Central Asia. *Central Asia and Caucasus*, 2(38), 27-33.

Henderson, D. (1992). International economic integration. *International Affairs*, 68(4).

Kubicek, P. (1999). End of line for the Commonwealth of Independent States. *Problems of Post-Communism*, 46(2).

Nashiraliyev, Y. Economic Integration in the Commonwealth of Independent States, Perspectives, Problems, Solutions. available at:  
<http://muir.massey.ac.nz/bitstream/10179/1080/2/01front.pdf>. (accessed on: 2010, June 18).

Sherr, J. (1997). The Black Sea fleet accord. *Survival*, 39(3), 32-34.

Voitovich, S. A. The commonwealth of independent states: an emerging institutional model. available at: <http://www.ejil.org/pdfs/4/1.pdf>. (accessed on: 2010, November 14).